

# کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

از حجة الاسلام والمسلمین آقای  
سید ابوالفضل موسوی زنجانی

بحث اقتصادی

## بلاي ربا

اقتصاد از نظر قرآن - ربا - ربا در شرايع  
سابقه، ربا در اسلام - مفاسد ربا از نظر اخلاقي  
اقتصادی - اجتماعي - آیا میتوان ربا را  
حلال کرد؟ مقصود از ربا یا تیکه در باره  
فرار از ربا وارد شده است - بانگها ..

مقدمه :  
اقتصاد از نظر قرآن

انسان از جنبه جسمی و بیگانه خود، مرتبط بمادیات جهان بوده  
و از عناصر موجود در کره زمین آفریده شده، و جزئی از آن میباشد  
و هم بستگی او بمادیات همزمان پیدایش او بارشته های ناکستنی  
استحکام یافته است. منها خلقناکم و فیها نعیدکم ...

در این صورت طبیعی است، که نمیتواند بدون ماده، زندگی  
کند، لذا مورد نیاز او، از هر جهت در دستگاه آفرینش، پیش بینی

شده و برایگان و بحد وافر در دسترسش قرار داده شده است .

چنانکه قرآن مجید ، در آیات خود بتفصیل بیان فرموده :  
 هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا - وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ  
 وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ - وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكُهَاتُ  
 النَّخْلِ ذَاتِ الْأَكْمَامِ تَأْخِرُ

و از جهة دیگر که بمزایائی از علم و اراده و قدرت مجهز میباشد  
 طبعاً موظف است ، همه این مواهب را بکار اندازد ، و با سعی و کوشش  
 نیازمندیهای خود را ، از حیث غذا و دوا و پوشاک و مسکن ، از مواد و  
 ذخائر نهفته در زمین ، توأم با آباد ساختن آن مرتفع سازد؛ چنانکه  
 میفرماید: هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ لَكُمْ فِيهَا خُدَا وَنَدَّ  
 جِهَانَ هَمَانِ اسْتِ ، که شما را در زمین پدید آورده ، و آبادی آنرا  
 بعهده شما گذاشته است .

و خلاصه اینکه میباید همواره در تکاپو و در تلاش معاش زندگی کنید  
 لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ .

آننگاه بطرق صحیح تحصیل معاش و وسائل مؤثر عمران زمین ،  
 که در سه موضوع (زراعت، صنعت، تجارت) خلاصه میشود ، هدا یتش  
 فرموده، در راه و روش زندگی را بر او هموار نموده است : خَلَقَهُ وَقَدَرَهُ .  
 ثُمَّ السَّبِيلَ يَصْرَهُ .

و اجرای این برنامه سنگین، جز بوسیله تعاون و تشریک مساعی  
 افراد نوع ، صورت پذیر نبوده ، و همین احتیاج متقابل و متبادل، پایه  
 اصلی اجتماع و تمدن بشری میباشد، و تنها در سایه اجتماع و الفت زندگی

فردو نوع میسر خواهد بود .

لذا روح تمدن ، و رابطه الفت خا نواده بشر ، میباید در همه شئون زندگی مخصوص افراد ؛ همچنان محفوظ مانده و حس تعاون و تراحم و مودت ، در همه حال تقویت گردد ، و بوسیله موازین عدل . و نظامات اقتصادی ، تمتع و استفاده از موارد طبیعی ، برای همه افراد تأمین شده ، و از بهم خوردن تعادل ، که موجب گسیختن رشته های تعاون ، و مؤدی بانقراض بشر میگردد ، جلوگیری بشود .

شریعت اسلام ، که کاملترین و واقع بین ترین شرایع است ، بدین نکته ، یعنی حفظ روح اجتماع ، در همه مقررات اخلاقی و حقوقی و اقتصادی و سیاسی خود ، اهمیت فراوان داده ، و در بنیان تمدن بشر آنرا سنگ زاویه بشمار آورده است .

گذشته از نصوص کتاب و سنت ، که در خصوص آن پافشاری کرده است ، اندکی تفقه و تعمق در جزء بجزء قوانین اسلام روشن میسازد ، که در همه شئون زندگی انسان ، مصلحت نوع را بر منفعت افراد مقدم ساخته ، و همچنین دفع مفسده را بر جلب منفعت ترجیح داده است ، خاصه اگر ضرر ، عمومی و کلی بوده ، و نفع فردی و یا جزئی بوده باشد **قل فیهم اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما کبیر من نفعهما** .

روی همین اصل و مبنی مشاهده میشود ، اسلام در عین حال که مال را از نظر اضافه مالکیت ، مربوط بشخص و یا اشخاص میداند ، از جنبه دیگر ، آنرا بعموم نسبت داده و قوام معیشت همگانی شناخته است ، و تصرفات آنها را ، محدود بر عایت مصلحت نوعیه ، و یا عدم مفسده نموده ،

و میفرماید: **ولاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل - ولاتؤتوا السفهاء أموالكم التي جعل الله لكم قيا مآ** در اموال خود بیاطل، دخل و تصرف نکنید و سفیهان را، در صرف کردن مال خود شان، آزاد نگذارید! چه این اموال مایه معیشت و قوام امر زندگانی همگانی است.

و در هر سه مرحله یعنی: **کسب و حفظ و صرف اموال** شروط و حدودی، روی همین ملاک مقرر کرده است، که در صورت تخلف از آن، احدی یا اصلاً مالک مالی شناخته نشده و یا استقلال در تصرف از او سلب میشود، مثلاً نمیتوان از طرق مؤدی بفساد و تنازع، مانند غارت سرقت، خیانت، تدلیس، اغفال، ربا، مالی بدست آورد، و همه اینها از نظر قانون اسلام، اکلاً بیاطل؛ و غیر مجاز شناخته شده است.

و هم چنین در نگاه داشتن مال بمنظور احتکار، و یا بخل و مضایقه از بندل در مصالح عامه که در اصطلاح قرآن از آن به «سبیل الله» تعبیر شده است، احدی مجاز نمیشود: **ولا یحسبن الذین یبخلون بما آتاهم الله من فضله، هو خیر آلهم ال هوشر لهم - والذین یکنزون الذهب والفضة، ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم** کسانی که بآنچه خداوند در اختیارشان گذاشته است، بخل میورزند، تصور نکنند، نفعی از آن خواهند برد، بلکه بعاقبت خطرناک آن دچار خواهند شد، و آنها که طلا و نقره را بگنج می نهند، و در راه خدا نمیدهند، بعذاب دردناک نویدشان بده.

چنانکه، صرف کردن مال بصورت اسراف، و تبذیر، و روش

سفیهانه نیز ، بکلی ممنوع می باشد گلوا و اشربوا ولا تسرفوا انه  
لا یحب الیسرفین۔ ولا تبذر تبذیراً ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین  
وکان الشیطان لربه کفوا و آ اسراف کاران را دور از خدا ، و  
قرین شیطان دانسته ، و عمل اسراف را ، کفران نعمت خوانده است .

و از طرف دیگر ، انسان را با کتساب و تحصیل مال ، بوسیله اعمال  
تولیدی ، مانند زراعت و صنعت و تجارت که راه طبیعی و مستقیم آنست  
تشویق کرده ، و در آیات مفصله ، توجه او را به برکات زمین ، و با استفاده  
از آب و خاک ، جهت تولید و تکثیر مواد معیشت خود ، معطوف داشته است  
فلینظر الانسان الی طعامه ، انا صببنا الماء صباً ثم شققنا الارض  
شقا ، فانبتنا فیها حباً و عنباً و قصباً ، و زیتوناً و نخلاً ، و حدائق غلباً ، و  
فاکهة و ابا ، متاعکم و لانعامکم بسیار لازم است ، انسان توجه داشته  
باشد چگونه و از چه راهی ، خدای خود را بدست میآورد ؛ ما آب  
باشی کرده ، و خاک را از هم شکافتیم ، آنگاه ، انواع دانه ها و  
میوه ها برای خودشان ، و همچنین گیاهها جهت دام هاشان ، از زمین  
رویاندیم .

و فیض خاطر نشان ساخته است ، که از خاک شیرین و حاصل خیز  
میتوان بهره برداری کرد ، نه از زمین شور و زار و البلاد الطیب ینخرج  
نباتة باذن ربه و الذی خبت لا ینخرج الا نکدا  
و زمین مستعد زراعت ، تا هفتصد برابر میتواند تولید کند : کمثل حبة  
انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة .

و منافع دام پروری را که از فروع فلاح است ، بدین صورت بیان فرمود :

والانعام خلقها لكم فيها دفا و منافع ؛ ومنها تأكلون ، و جعل لكم من جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم ظعنكم ، و يوم اقامتكم و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثا و متاعا الى حين .

دام های اهلی را که در نیازمندیهای شما ، از جهت غذا و لباس و اثاث ، بسی سودمند میباشد ، بخاطر رفاه و آسایش شما آفریده است و همچنین انسان را بفعالیت در صنعت تشویق فرموده ، و مخصوصاً او را بمعدن آهن که اساس صنایع بوده ، و در دوران صلح و بهنگام جنگ ، منافع بی شماری دارد . متوجه ساختن است و انزلنا الحديد فيه بأس شدید ، و منافع للناس .

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

چنانکه او را به تجارت ؛ که وسیله انتقال مواد معاش ، از محلی بمحل دیگر ، و توزیع آن بین بمصرف کنندگان است ، نیز هدایت فرموده هو الذی جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها و کلاوا من رزقه . زمین را پیش پای شما هموار ساخته است ، در آن سفر کنید ، و رزق خود را بدست آورید لایلاف قریش ایلافهم رحلة لثناء و الصیف فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف . آیا ندیدی پروردگار تو ، معجزه آسا ، لشکریان ابرهه را درهم شکست ، و امنیت را برقرار ساخت ، تا اینکه قریش . باطمینان خاطر بسفرهای تجارت خویش ادامه دهند ، و میباید ، خدای کعبه را ، که بدین ترتیب آنها را از چنگ دشمن ، و خطر گرسنگی رها نیده است ، پرستش بنمایند .

خلاصه اینکه انسان ، مواهب عقلی و نیروی جسمانی خویش را باید در تهیه وسایل زندگی از طرق مقرر و طبیعی آن بکار اندازد ، و بموازات افزایش نسل ، مواد معیشت را نیز تکثیر و تولید کند ، و با موازن عدل ، همگی از آن متمتع گردند ، و از هر آنچه که نظام اقتصادی و عدالت اجتماعی را مختل میسازد ، جداً پرهیز بنماید !

### ربا

یکی از آن مفاسد ، بطوریکه اشاره کردیم ؛ و متأسفانه جامعه مسلمان ، برخلاف آئین خود ، از دیرزمان ، به آن بلای خانمان سوز گرفتار شده ، و بتدریج عارف و عامی ، خواه و ناخواه ؛ بسوی آن کشانده میشوند ، معاملات ربوی است ، بدین معنی که مدیون علاوه بر اصل بدهی خود مبلغی هم ، بحساب روز و یا ماه و یا سال ، بطلبکار بپردازد ، و یا در سرمدت مقدار سود را هم ، بر سرمایه افزوده ، و سود دیگری بر مجموع به بندند ، که این یکی ظالمانه ترین نوع ربا خواری ، و فی الحقیقه ، درندگی و خون خواری است .

### ربا و شریعت

تا آنجا که تاریخ نشان میدهد ، سود جوئی از راه پول ، در عرف ملل سابقه ؛ عمل زشتی محسوب میشده ؛ و ربا خواران را نکوهش میکرده و آنرا ظلم میشمردند ، و در شریعت تورات صریحاً از آن منع شده است و اینک بعضی از نصوص آنرا در اینجا ذکر میکنیم :

سفر خروج فصل ۲۲ : ۲۵ - اگر نقدی را بیکدی از قوم من که

نزد توفقییر است ؛ قر ض بدهسی ؛ مثل تقاضا کننده میباشد ، و ر با بر وی مگذار ! .

**سفر لاوی ۲۵ : ۳۵** - واگر برادر توفقییر شده ، نزد تو تهیدست شود ؛ اورا دستگیری نمای ، اگرچه غریب و یا میهمان باشد ، تا آنکه باتو زندگانی نماید ، از اور با و مرا بچه مگیر ! و از خدای خود بترس ، تا برادرت باتو زندگانی بنماید ، نقد خود را با و بر بامده ؛ و خوراک خود را بمرابحه با و مده ! .

**سفر مثنی ۲۳ : ۱۹** - با برادرت معامله سودی مکن ! نه معامله نقره ، نه معامله آذوقه ، نه معامله هر چیزی که جهة سود داده میشود .

**کتاب نحمیا ۵ : ۷** - در دلم مشورت کرده ، اعیان و سروران را عتاب کرده ، بایشان گفتم ، که شما هر کس از برادران خود ر با میگیرید و جماعت بسیاری بخلاف ایشان گذاشتم .

**کتاب حزقیال ۱۸ : ۱۸** آنکه بربح نمیدهد ، و مرا بچه نمیگیرد ، و دست خود را از بی انصافی کشیده ، در میان اشخاص حکم بر استی مینماید . آری گذشته از شرایع آسمانی ، در فکر ساده و بی آرایش ملل و اقوام سابقه ، ر با خواری ، ابتداءً ، یک نوع عمل ظالمانه بشمار میرفته ، ولی بتدریج ، عادات زشت در آن تأثیر نمود ، و بقیاس متاع و یا خانه که با چاره و اگذار میشود ، عنوان جدیدی برای آن تراشیده ، و بنام اجرت و مال الاجاره متداول نمودند ، لیکن با تغییر دادن عنوان نمیشد (و نمیتواند باشد) اثرات سوء آنرا از افکار عمومی ، و محیط اقتصادی بزدایند چه ، مخصوصاً در نظام طبقاتی ، وسیله ، قاطعی ، در دست سرمایه داران



بود ، و مدیونین را از پای درمیآورد ، لذا ملل متمدن آنرا بحد اکثر دوازده درصد محدود ساخته ، و زاید بر آن را ، رباخواری و غیرقانونی شمرده ، و مجازات بر آن معین کردند .

ولی سرمایه داران که در دولت‌ها نفوذ دارند ، هتصد فرصتی مییابند ؛ تا بنام اینک ، تسهیل و توسعه وام ، جهت اعمال تولیدی ، بالا بردن میزان سود را ایجاب میکند ، ! آنها را و ادار به تجدید نظر در قانون موجود بنمایند ، و بتوافق طرفین موکول کنند .

و بیان دیگر و صریح تر ، دست سرمایه داران رباخوار را باز بگذارند ؛ تا اینها بتوانند حد اکثر فشار و استثمار را ، بطرف مقابل محتاج و مضطر زیر سرپوش توافق تحمیل سازند .

### ربا در اسلام

ولذا مقلین اسلام ؛ که بطبیع آزمند و افزون طلبی بشر واقف است ، و میدانند در این قبیل موارد کم آن منتهی زیاد و بتدریج مؤدی بفساد میگردد ، راه پیشروی و دستبرد بحصار قانون را کاملاً بسته است ، و مثلاً از خوردن يك قطره مسکر ، و یایك درهم ربا ، جلوگیری کرده است . و علاوه بر تحریم ربا ، در مورد قرض (از نظر محافظت حریم قانون) در خرید و فروش نیز ، درهمه اشیاء که بوزن یا کیل سنجش میشود در صورتیکه مثنی و ثمن از يك جنس بوده باشد ، کم و زیاد بودن عوض را ، ممنوع ساخته است و گناه يك درهم ربارا ، اگر چه بالفرض ، در مقابل ملیونها وام و سالها مهلت بوده باشد ، از گناه آن سیه کار پلید که با مادر خود ، مرتکب

فحشاء گردد ، بزرگتر شمرده ، ولحن قرآن مجید ، درخصوص ربا ، بسیار تند و هراس انگیز است ، و در مورد هیچ یک از معاصی کبیره جز در مورد شرك بخداوند جهان ، نظیر آن وارد نشده است .

اینک بعضی از آیات آنرا مورد مطالعه قرار میدهیم : درسوره آل

عمران میفرماید : یا ایها الذین آمنوا لاتأكلوا الربا اضعافا مضاعفة

واتقوا الله لعلکم تفلحون ، واتقوا النار التي اعدت للكافرين .

و درسوره بقره : الذین یا کلون الربا ؛ لا یقومون الا کما

یقوم الذی یتخطه الشیطان من المس ، ذلک بانهم قالوا انما البیع

مثل الربا ، واحل الله البیع وحرم الربا ؛ فمن جائه موعظة من

ربه ، فانتهی فله ما سلف وامره الی الله ، ومن عاد فأولئك اصحاب

النار هم فیها خالدون - یمحق الله الربا ویربب الصدقات والله لا یحب

کل کفار اثم . کتابخانه مدرسه فیضیه قم

وهم در این سوره فرماید : یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ، وذرّوا

ما بقی من الربا ، ان کنتمہ مؤمنین ، فان ثم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله

ورسوله ، وان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون .

مطالعه در آیات شریفه ، این مطالب را میرساند :

۱- ربا خواری با ایمان بخدا و رسول و روز جزا منافات دارد ،

وجمله آن کنتم مؤمنین بدان تصریح دارد .

۲- با آلودگی بربا ، امید بربستگی و آسایش دنیا و آخرت بی

مورد است ، و ربا خو اران در زمره ، منکران و کافران گرفتار آتش قهر

الهی خواهند بود .

۳- حالت رباخواران شبیه بحالت شخص مصروع است که در آن حال ابداً، بمفاسد ناشی از عمل خود توجه ندارد، و در خرابکاری همچنان پیش میرود؛ و بحکم آنکه سجایای هر نفس در جوهر آن ثابت میماند؛ و صورت مناسبی به او میدهد، طبعاً در نشئه آخرت نیز، باقیافه مصر و عانه و رسوا پبای برمیخیزند.

۴- آزمندی و سود پرستی، فکر صحیح را؛ از مغز علیل آنها ربوده، و بقلط می پندارند، رباهم مانند خرید و فروش میباشد؛ که علاوه بر سر مایه، سودی هم عاید فرو شده میگردد، در صور تیکه چنین نیست، و خرید و فروش نوعاً دور محور عرضه و تقاضا می چرخد و نمن و مثنمن در مقابل همدیگر قرار گرفته، و بمصلحت و رضای طرفین انجام می پذیرد؛ برعکس ربا که وسیله استعمار و استغلال بوده، و مالی بدون عوض و بمحض تحمیل بر طرف مقابل بدست می آید؛ و بملاحظه این تفاوت جوهری و حقیقی خدا بیع را حلال، و ربارا حرام نموده است.

۵- ربا خواری ظلم فاحش بوده، و آثار شوم ظلم در هر دو جهان، دامنگیر مستمکار خواهد شد و درست. در نقطه مقابل صدقات قرار گرفته است، که در آن مالی بلا عوض به مستمندان بذل میشود، و اینجامالی بلاعوض از نیازمندان دریافت میگردد. لذا خدا بر آن افزوده، و این یکی را نابود میکند.

۶- ربا خوار، منفور خداوند؛ و کافر بنعمت او، و دور از رحمت حق تعالی است، چه نعمت او را برخلاف دستور، و در غیر مورد آن

صرف کرده ؛ وهم عاطفه رأفت و رحم بر نیازمندان از دل خود رانده است ؛ و بسزای آن از درگاه رحمت حق رانده شده است .

۷- خدا و رسول او ، رسماً بر باخواران اعلان جنگ داده اند ، و مال امر جنگ آوران با خدا و رسول ، جز شکست و خذلان ابدی و عذاب دائم نخواهد بود .

بایک سیر اجمالی در مفاسد همه جانبه ربا خواری ، یقین حاصل میشود که این همه تشدید و تضییق در قانون اسلام نسبت بدان کاملاً بهبود بوده ، و جلو گیری از ربا ، مطابق با میزان عدل و رحمت هردو است ، و تا آنجا که در حوصله یک مقاله میگنجد ، قسمتی از آن را توضیح میدهیم :

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

### مفاسد ربا

الف - فساد و ضرر از جنبه اخلاقی : چنانکه قبلاً اشاره کردیم یکی از هدفهای مهم شارع اسلام ، حفظ را بطه مودت و رحمت ، بین افراد بشر میباشد ؛ تا آنکه بر اساس تراحم و محبت ، نیازمندی های آنان بکمک یکدیگر ، بدون سوء استفاده از احتیاج طرف مقابل مرتفع گردد . و هر فرد متمکن آنچنان که بازن و فرزند خود ، بعلاقه محبت و یگانگی رفتار میکند ، زاید بر مؤنه خود را بمیل و رغبت و مواسات در دسترس فرد محتاج بگذارد .

و در حدیث نبوی ﷺ وارد شده است : من كان له فضل ظهر فليعد به على من لا ظهر له ، و من كان له فضل زاد فليعد به على من لا زاد له

هریک از شما مر کبی فوق احتیاج خویش دارد ، در اختیار فرد نیازمند بگذارد ، رهر کدام توشه اضافی دارد بمحتاج آن بذل کند ، راوی حدیث میگوید . زمینه بیان آنحضرت ﷺ نشان میداد ، که چیزی از مواد معیشت ، از این دستور مستثنی نمیشد .

درقرآن نیز بالحن های مختلف ، و بیازمتنوع و درعین حال محرک وجدان ، بدین امر تشویق فراوان شده ، و سخاوت را که از مکارم اخلاق انسانی است ، تابسر حد ایثار بنفس ، مجاز و ممدوح شمرده است :  
و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی درعین حال که شخص محتاج بمتاعی است که در اختیار دارد ؛ نیازمند دیگر را بر خویشان ترجیح بدهد .

چنانکه قرض دادن بدون سود نیز ، درعرف کتاب و سنت ، از حسنات شمرده شده ، و اجر و ثواب آن بسی بیشتر از صدقه و احسان بلاعوض مقرر گشته است .

و خلاصه ، هدف اسلام آنست که از بای در افتادگان ، بکمک همنوع خود ، پیاپی خیزند ، نه آنکه ، طعمه سرمایه داران درنده خو گشته و از دست بروند ، و در قسمتی از اخبار ائمه علیهم السلام ، در علت تحریم ربا بدین معنی تصریح شده است انما حرم الله الربا لکیلا یمتنعوا من صنایع المعروف .

ب - فساد و ضرر از جنبه اقتصادی : بیشتر گفتیم ، که راه راست و طبیعی اعاشه بشر ، همانا اعمال تولیدی میباشد ؛ و به موازات کثرت نسل و تکثر مواد معیشت نیز ضرورت دارد ، و مسلم است که ربا خواری

باعث انصراف سرمایه‌داران از اعمال تولیدی می‌گردد ، و نیازمندان هم از سعی و کوشش بدون سرمایه ، نتیجه مطلوبه بدست نمی‌آورند ، و قهراً استعداد های بشر ، در هر دو طرف ، باطل و معطل گردیده ، و ابتکار تحصیل و تولید مواد اقتصادی را ، همگی از دست می‌دهند و در این معنی وارد شده نوکان الربا حلالاً لترك الناس التجارات ؛ و ما یحیتا چون الیه . و نیز واضح است که پول میزان ارزش اجناس ، و وسیله مبادلات است ، نه غایت و هدف ، و نباید آنرا از وضع طبیعی خود خارج کرده ، و در استثمار و استغلال دیگران بکار انداخت ، و سرمایه‌های کوچک ، و بابت نتیجه فعالیت و کوشش مردمان را ، بلاعوض تحت اختیار و احتکار معدودی پول پرست ، در آورده ، و موازین اقتصادی را مختل ساخت ، چنانکه در اخبار کثیره این معنی بدینصورت تشریح شده است : فحرم الله عزوجل الربا لعله فساد الاموال .

ج - ضرر فساد اجتماعی : یکی از عوامل درهم‌شکننده روح اجتماعی و اخوت انسانی ؛ همانا نظام طبقاتی است . که از اهم مشکلات زندگی بشر بوده و هم‌اکنون بصورت لاینحل و خطرناک در آمده است ؛ و نیز مسلم است که تجمع سرمایه ، از عال ایجاد فاصله طبقاتی می‌باشد ، و طبعاً افراد بشر را در دو صف متقابل و متخاصم قرار می‌دهد ، چنانکه امروز نتیجه آنرا مشاهده می‌کنیم ، و بیم آنست که دیر یا زود ، امر منجر باصطکاک عمومی گردد ، و نسل بشر را منقرض سازد ، و با این وضعیت چگونه تصور میشد ، که شارع اسلام خطر تمرکز طغیان آور سرمایه را ، در بیک صف و خطر محرومی و فقر مهلک را در صف دیگر ، نادیده گرفته ، و

انتظار داشته باشد، که خاک نشینان در جوار کاخ نشینان و محرومان در کنار محتکران، بطور مسالمت آمیز و برادروار زندگی بکنند و آیا اساساً این نحوه زندگانی امکان پذیر است؟!۴

فلذا با قوانین صارمه، و وضع مقررات مالی، همه جا، جلو تجمع ثروت را گرفته است، و قرآن میفرماید: **کیلایکون دو لة بین الاغنیاء** منکم نمیتوان اجازه داد، اموال، که میباید صرف در مصالح عمومی بشود بین معدودی سرمایه داران شمار دست بدست بگردد؛ و باه طالعۀ در سیرة و کلمات دو مؤسس بزرگ اسلام: حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر- المؤمنین صلوات الله علیه، روشن میشود که نظام طبقاتی، و اختلاف فاحش در سطح معیشت افراد، در نظر هر دو بزرگوار محکوم بوده، و عمری با آن مبارزه کرده اند.

علی علیه السلام میفرماید: **ما رأیت ثروة موفورة الاو الی جانبها**

حق مضيع تاکنون ندیدم ثروتی در یک جانب نباشته شود، بدون آنکه در اطراف و جوانب آن حقوقی از دیگران ضایع نشده باشد.

ما جاع فقیر الایما متع به غنی هیچ محرومی گرسنه نمی ماند، مگر آنکه نصیب او بخوش گذرانی سرمایه داری صرف میگردد.

**اضرب بظرفك حیث شئت، فهل تبصر الایقیراً یکابد فقراً او غنیاً بادل نعمة الله کفرأ او بخیل اتخذ البخل بحق الله وقرأ.**

وہ چه منظرہ درد ناک. وچه اجتماع ننگین است، هر جا که نگاه میکنی از سوئی مستمندی را می بینی، که با فقر دست بگریبان است؛ و سوی دیگر سرمایه داری که نعمت خدا را بصورت کفران آمیز در هوا

وهوس خود صرف میکند، و یا بخیل آز مندی. که حقوق الهی را در مورد بندگان اومضایقه کرده، و روی هم انباشته است.

وماخذالله علی العلماء ان لا یقروا علی کظة ظلم ولا سغب

مظلوم خداوند از دانشمندان و عقلاء جامعه، عهد و پیمان گرفته است، که با خون سردی، تماشاگر صحنه‌ای نباشند، که در آن ستمکاران از تجمع ثروت بحالت تخمه در افتاده، و ستم دیدگان از گرسنگی از پای در می‌آیند.

### کتابخانه مدرسه فیضیه قم

و شبهه‌ای نیست که رباخواری، یکی از عوامل بارز و مؤثر در ترمرکز و تجمع ثروت، و بهم خوردن توازن اقتصادی و عدالت اجتماعی است، و قرآن مجید آنرا آشکارا ظلم شمرده و فرمود: فان تبتم فلکم رفس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون.

### آیا میتوان ربا را حلال کرد؟!

با توجه بمطالعی که در علل تحریم ربا، و استغلال اموال مردم، از کتاب و سنت آوردیم، و بادر نظر گرفتن آنهمه تهدید و تشدید و اعلان جنگ، از طرف خدا و رسول ﷺ علیه رباخواران، چگونه متصور است که با صحنه‌سازی و تبدیل نام (بشکلی که در این عصر متداول می‌باشد) حقیقت و واقع تغییر کند؛ و محرمات مباح گردد، در صورتیکه مناسط احکام شرعیه مصالح و مفاسد واقعیه است نه صورت‌سازی، فلذا مشاهده می‌کنیم، در موردی که از نظر واقع مفسده‌ئی از آنچه که ذکر شد مترتب نمیشود، حتی با صدق عنوان ربا، مانعی از آن نمی‌باشد، مانند معاملات



ربوی میان پدر و فرزند و زن و شوهر ، چه آنکه رابطه اتحاد فیما بین پدر و فرزند و زن و شوهر ، از نظر شارع اسلام ، بقدری مستحکم است که در حکم شخص واحد محسوب میشوند ، و البته اگر شخص واحد مالی را از این دست خود بدست دیگرش منتقل سازد ، اشکالی بوجود نخواهد آمد .

و چنانچه این عمل صورت سازی و سوء استفاده از مواد و مقرراتی که در موارد دیگر ، در شرایط مخصوصه بآن ، وضع شده است ، و پنهان ساختن جرم ربا خواری ، در طی عناوین دیگر ( که البته نه در پیشگاه خدا و نه از نظر مردم پنهان توان نمود ) در قانون اسلام بر سمیت و صحت شناخته شود ، آیا مؤدی بنقض غرض از تحریم ربا نمیگردد ؟ .

و آیا ممکن است خود قانون گذار بمخالفت و درهم شکستن قانونی که خود وضع کرده است ، این همه دست آویز بدست متمردان بدهد ؟ و در صورتیکه همه سرمایه داران و استثمارگران میتوانند با اجازه شارع اسلام ، ربا خواری را برنگ بیع و شرط و بیاض ضمیمه و امثال آن ، رنگ آمیزی کنند ، و در فساد و خرابکاری ، همه جا مطلق العنان باشند ، پس چه حاجت و علتی ، وضع قانون ربا را بدان شدت اقتضا میکرد ؟ و این تبصره تا چه اندازه و سعت دارد ، که در همه جا نمیتواند قانون را از اثر انداخته ، و آنرا بکلی لغو و نسخ نماید ؟ در ذیل آیه طلاق میفرماید : **وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا - وَتِلْكَ**

**حُدُودِ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا** - یعنی احکام خدا را ، بغیر مورد آن نکشائید و از حدی که معین کرده تجاوز ننمائید ( و با اصطلاح عامیانه بقانون

المهی کش ندهید) و آنرا بمسخره نگیرید ، و قطعاً این قبیل صورت سازبها ، جز همان تمسخر بقانون چیزی دیگر نتواند بود .

### حیله یهود !

واساساً این طرز تفکر مکر آمیز و یهودی مآبانه را قرآن مجید از قرنها پیش محکوم ساخته است ، چنانکه میفرماید : **وَاسْتَلْهِمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ ، اِذْ تَأْتِيهِمْ حَيْتَانِهِمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعاً وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ ؛ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ - فَلَمَّا عَتَوْا عَمَانَهُوا عَنْهُ ، قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ .**

آیات شریفه چنانکه جمهور مفسرین آورده اند ، ناظر بشرح حال جمعی از قوم اسر ائیل است ، که در شهری واقع در کنار دریا سکونت داشتند ، و در شریعت تورات مقرر بود که پیروان آن روز های شنبه را محترم شمرده ، و جز بعبادت نپردازند ، و کسب و کار را بکلی موقوف سازند ، و از این جهت روزهای شنبه بصید ماهی نمیدراختند ، و ماهیان از این امنیت ، بحکم غریزه استفاده کرده ، و بحالت دسته جمعی در سطح آب ظاهر میشدند ، و در روز های دیگر از نظرها پنهان میگشتند .

گنابخانه مدرسه فیضیه قم

تا آنکه جمعی مکارانه ، بدین فکر افتادند ؛ که با حفظ صورت

«سبت» از صید ماهی نیز بهره مند شوند ، و حوضچه هائی در کنار دریاه تهیه کرده ، و با جویبار های کوچک آنرا بدریا مرتبط ساختند ، آنگاه روزهای شنبه که ماهیان در جستجوی طعمه بساحل نزدیک میشدند ، آنها

را بمیان حوضچه هاراندند ، و در آنجا محبوس میداشتند و روزیکشنبه آنها را میگریفتند ، و وانمود میکردند ، که احترام سبت را نشکسته اند ، و هر قدر علما و صلحاء قوم ، آنها را موعظه کرده ، و از این حقه بازی منع می کردند ؛ بخرجشان نمیرفت ، تا عاقبت عذاب استیصال و قهر الهی در رسید و بمسخره بازی بوزینه گان پایان داد و حدیث متفق علیه ذیل که از حضرت رسول ﷺ بالفاظ مختلف نقل شده است ، ناظر بهمین عوالم است .

لتتبعن سنن الذین من قبلکم : حذوا القذة بالقذه و النعل بالنعل  
حتی او ان احدآ منهم دخل حجر ضب لدخاتموه .

شما هم از راهائی که امم سابقه رفته اند خواهید رفت ؛ و اعمالی از هر جهت مطابق اعمال آنها آنچنان که پرهای تیر و جفت نعلین ؛ با هم مطابقت میکنند ، از شما سر خو اهد زد ، حتی اگر کسی از آنها در لانه سو سماری هم رفته باشد ، شما هم از آن داخل خواهید شد . چنانکه در حدیث حجة الوداع ؛ و خطب حضرت امیر المؤمنین

صلوات اللعلیه نیز بنقل آن پرداخته و میفرماید : یتمنون رحمته و یأمنون سطوته و یستحلون حرامه بالشبها الکاذبه و الا هواء السما هیه فیستحلون الخمر بالنیذ و السحت بالهدیه و الر بابا بیع بدون عمل صالح ، رحمت خدارا آوزو میکنند ، و از قهر او خود را در امان پنداشته ، و حرام خدارا باشبهه های دروغین و هوس های پا در هوا حلال می شمارند ؛ شراب را بعنوان نبیند و رشوه را بعنوان هدیه و ربارا بعنوان بیع می خورند

و از اصول مسلمه است ، که در کلیه عقود و معاملات ، متعلق عقد ؛ میباید جداً و حقیقه مقصود متعاملین بوده ، و بالاراده و اختیار و

رضایت خاطر؛ در شرایط و حدودی که جهة هر نوع معامله در شریعت مقرر است، با انشاء قولی و یا عملی آنرا بوجود بیاورند، و بمجرد نام گذاری و تبانی صوری و حتی حدیث نفس اثری مترتب نمیگردد.

مثلاً در صورتیکه زید مقصودش آنست که مبلغ یک هزار تومان، با سودده درصد، بعمر و قرض بدهد، و عمر و هم جز قرض گرفتن با سودده درصد قصدی ندارد، و در ظاهر امر و عالم لفظ و انمود میشود؛ که عمر و خانه خود را بربیع شرطی بزید بفروخت، که در سرمدت ششماه؛ با پرداخت قیمت، معامله را فسخ کند، آنگاه خانه را در مدت ششماه، بمبلغ ششصد تومان از زید اجاره کرد، جز لعاب باقانون و پرده پوشی از یک گناه بزرگ، کاری انجام نگرفته است. و همچنان اگر این حقه بازی را بصورت بیع قطعی در آورند، و مثلاً زید یک دسته اسکناس بارزش یک هزار تومان، بحساب سود ده درصد، در مقابل دو هزار و دو سیست تومان بمدت یکسال بعمرو بفروشد، راستی آن کدام عاقل است، که قصداً و اختیاراً یک هزار تومان را بدو هزار و دو سیست تومان از همان جنس، خریداری کند، و پیش خود چنین خیال کنند، که چون اسکناس جزء اجناس مقدر با کیل و وزن نمیباشد ربا در آن جایز است، در صورتیکه اسکناس، جز عنوان سند و وثیقه ندارد، و نمیتوان آنرا بحساب نقد آورد، و معاملات فی الواقع در مقابل پولی است، که مردم از ناشر اسکناس طلب دارند.

و چنانکه مسلم است طلب ذمه را میتوان هم بخود مدیون، و هم بغير انتقال داد، نهایت اینکه کاغذ اسکناس سند بدهکار؛ در دست

طلبکار است، مثلاً زید که يك اسکناس ده تومانی در دست دارد، حقیقتاً ده تومان نقد، از بانك طلب کار است، و وقتی يك جفت كفش، بده تومان خریداری میکند، طلب خود را که بر عهده ناشر اسکناس ثابت میباشد، بقیمت كفش و در مقابل آن میدهد، و بر ك اسکناس راجه وصول این طلب باو میسپارد چنانکه همه مشاهده کرده بودند؛ بر صفحه يكصد و پانصد و یک هزار ریالی سابق، بترتیب يك و پنج و ده پهلوی نوشته شده بود (و چرابعدها این کلمه، از صفحات اسکناسهای جدید حذف شد، سوالی است که جواب آن بعهده منجم است، و عقل ناقص ما بآن قد نمیدهد).

و خلاصه، اسکناس را نمیتوان ذاتاً پول و نقد بشمار آورد، چه اولاً پول نقد مانند درهم و دینار، بالاستقلال در جریان مبادلات قرار میگیرد و محتاج به پشتوانه نمیشود.

و ثانیاً، اعتبار دادن و یا از اعتبار انداختن آن، بستگی به تصمیمات بانك ندارد، و ذاتیت خود را اعم از آنکه بصورت مسكوك بوده باشد، و یا شمش، همچنان حفظ میکند، در صورتیکه در مورد اسکناس، گاه و بیگاه سخن از پشتوانه بمیان بیاید، و چنانکه دیدیم يك قسمت از آن (بصورت پانصد و هزار ریالی) بایک اعلان بانك بقطعه کاغذ بی ارزشی مبدل شد.

مقصود از روایاتی که در مورد

فرار از ربا و ارد شده است

و اما اینکه در بعضی از اخبار عبارت نعم الفرار من الحرام الی الحلال و لکنه فرار من الباطل الی الحق وارد شده است، و مستند

جمعی از فقها رضوان الله علیهم ، در استفاده از عناوین معاملات دیگر قرار گرفته است، بمنزله تبصره ایست که از نظر تکمیل قانون ذکر میشود و منزل بصورت ضروریات امیباشد

چه اولاً ، چنانکه مورد سؤال شرح میدهد مطلقاً فکر سود جوئی و سوء نیت و ربا خواری ، در میان نبوده ، بلکه حاجت و ضرورت بمبادلاتی می افتد که بظاهر قانون حرمت ربا بر خورد میکنند .

مثلاً از امام علیه السلام می پرسد ، با کاروان بعجله به نیشابور سفر میکنم ، و در آنجا درهم مسکوک دمشقی و یا بصره رایج میباشد ، و پولی که من داشتم ، در آنجا خرج نمیشد ، لذا فرستادم بدرهم بصری و یا دمشقی تبدیل کنند ، و صرافان هزار و پنجاه عدد از این پولها را ، با هزار درهم بصری و دمشقی مبادله کردند .

فرمود: کار خوبی نکرده ای ، چرا قطعه طلائی ضمیمه درهم دمشقی نمیکند ، تا آنکه پولهایی را که هر دو از یک جنس میباشد ، بتفاضل معامله کرده باشید .

تا آنکه فرمود : پدرم در مقابل اهل مدینه (مقصود فقها ، عصر

است) در فتوی دادن از من دلیرتر بود ، و همین راه حل را نشان میداد ، و آنها میگفتند : این فرار از ربا است ، نه راه حل ؛ و اگر شخصی یک دینار را به هزار درهم بفروشد ؛ کسی از او نمیخورد ، و پدرم میفرمود : چه بهتر است ؛ فرار کردن از فعل حرام بفعال حلال .

و حاصل آنست که ، از طرفی ، از جهة حفظ حریم قانون ربا ،

نمی‌توان دو مالی را که از یک جنس هستند ، حتی اگر یکی مرغوب تر از دیگری بوده باشد ، بتفاوت در وزن یا کیل ، در مقابل همدیگر خرید و فروش کرد ، و باید حتماً مساوی بوده باشند .

و از طرفی غالباً ضرورت و حاجت ، این قبیل مبادلات را ایجاب میکند ، در این میان راه حل آنست که چیزی از غیر جنس بمالی که از نظر مقدار کمتر است ، منضم بنمایند ، تا هم ضرورت مرتفع شود ، و هم بحریم قانون تخطی نگردد .

مثلاً فرض کنیم استاد کاری با چند نفر کارگر ، در قلم زنی و منبت کاری جعبه‌ئی از نقره ، که وزن ناصده مثقال است ، صرف وقت و نیرو کرده‌اند و از نظر صنعت یک هزار تومان ارزش دارد ، و در مقام خرید و فروش اگر بخواهند ، بهم وزن خود (یکصد مثقال نقره) بفروشند ، نصد تومان از ارزش واقعی ضرر کرده‌اند ؛ و این ظلم فاحش است ؛ و اگر خواسته باشند بارزش واقعی (یک هزار مثقال نقره) بفروشند ، مؤدی بتفاضل و خلاف قانون خواهد شد ، و چاره منحصر است ، باینکه مثلاً یک مثقال نبات ضمیمه جعبه نقره کرده ، و هر دو را باهم به یک هزار مثقال نقره بفروشند .

**ولائياً** ، چنانکه روشن است ، و استعمالات قرآن شاهد می‌باشد کلمه «فرار» در موردی استعمال میشود ، که شخص در معرض مقابله با یک امر مخوف و هراسناکی است ، و اگر در معرض آن قرار نگرفته باشد ، فرار صدق نمی‌کند .

مثلاً می‌فرماید: **ففررت منکم لما خفتکم - قل ان الموت الذی**

تفرون منه فانه ملائیکم - قل لن ینفعکم الفرار من الموت او القتل  
 والبته شخص مؤمن و متدین ، ابتداءً آدم معرض عصیان بخدا قرار  
 نمیگیرد ، و وقتی هم بحکم ضرورت ، خود را در معرض آن ببیند ، حتی -  
 المقدور راه گریزی جستجو میکند ، در چنین فرضی امام علیه السلام ، راه گریز  
 و چاره کار را نشان میدهد .

و بعبارت دیگر ، انحصار راه گریز از معصیت و حرام ، در آن  
 راهی که امام علیه السلام راهنمایی فرموده ، دلیل آنست که راههای دیگر  
 خود بخود بسته بوده باشد ، مثلاً اگر کسی اصلاً احتیاج بقرض کردن  
 ندارد ، و یا میتواند بو سیله قرض الحسنه ، احتیاج خود را رفع کند ،  
 و یا متاعی دارد که میتواند آنرا بقیمت بازار بفروشد ، و صرف مایحتاج  
 خود بنماید ، چنین شخص متصور نیست که با حرام روبرو گردد ، تا  
 آنکه راه گریز دیگری جستجو کند .

پس معلوم میگردد ، که این قبیل چاره جوئی ها ، مخصوص بموارد  
 حاجت و ضرورت بوده ، و در هیچ مورد ؛ افراد مختار ، نمیتوانند از احکام  
 اضطراری استفاده کنند .

باز کر این نکته ؛ بمقاله پایان میدهد ، که اگر ممالک و جامعه های  
 اسلامی از تعلیم و هدایت قرآن مجید اندرز می گرفتند ، و پیرامون ربا  
 دادن و گرفتن نمی گشتند ، و سرمایه داران سرمایه های زاید خودشان  
 را بقرض الحسنه در دست رس دولتهای اسلامی ، جهت صرف در مصالح  
 عامه ، و در اختیار افراد ، بمنظور توسعه اعمال تولیدی ، قرار میدادند  
 هم تار و پود اجتماع مسلمین ، و وحدت قومی بهم پیوسته میشد ، و هم



با استقلال اقتصادی، که اساس استقلال سیاسی است، کمک شایانی می‌کردند. و دیگر نتیجه سعی و عمل آنها بعنوان اصل و سود قرضه خارجی بجهت استعمار گران نمیریخت، و بر سر هر کوی و برزن، بانگ‌هایی که معلوم نیست از کجا آمده‌اند، باستغلال و استثمار آنها توفیق نمی‌یافتند.

فما لهم عن التذكرة معر ضین -

ومن اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا.

کتابخانه مبارک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی

مکتب مطبوعاتی  
کتابخانه مبارک